

# گاهنامه هنر و مبارزه

23.12.2021

## هدیه سَمی ایالات متحده آمریکا برای نسل های آینده سوریه

مونا النو-نخال

[Mouna Alno-Nakhal](#)

مرکز پژوهش های جهانی سازی، 29 نوامبر 2021



ICARDA - Alep

مرکز پژوهش های جهانی سازی مورد سانسور قرار گرفته است. از شما خواهش می کنیم این مقاله را برای دوستان و همکارانتان بفرستید، و آن را در وبلاگ خودتان و در رسانه های اجتماعی منتشر کنید.

\*\*\*

10 نوامبر گذشته، آژانس ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین المللی (USAID) اعلام کرد :

«یکی از همکاران آژانس ایالات متحده آمریکا در شمال شرقی سوریه برای تأمین نان خانواده های آواره و پناهنده و انجمن های امداد رسانی به اشخاص ناتوان در حال پخش آرد گندم به نانوائی های محلی است. پس از یک فصل هرج و مرج بی اندازه پر مشکل، این مدد رسانی بیش از همه برای بهبود امنیت غذایی حیاتی بود.»

لازم به یادآوری است که ایالات متحده آمریکا شمال شرقی سوریه را به صورت غیر قانونی اشغال کرده و از نیروهای جدائی طلب زیر نام « FDS » سرواژه D دموکراتیک و سرواژه S سوریه (نیروهای دموکراتیک سوریه) پشتیبانی می کند.



18 نوامبر، خانم دیمه ناصیف گزارشگر سوری در المیادین تی وی در دمشق چند روز بعد گزارش دیگری از سفارت آمریکا منتشر کرد که این بار مربوط بود به تحویل « بذر گندم »:

« بذر گندم از این پس بار زده شده و به سوی شمال شرقی سوریه در حال حرکت است. آژانس ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین المللی نزدیک 3000 تن بذر گندم با کیفیت عالی برای کشاورزی به شمال شرقی سوریه در آغاز فصل کشت گندم هدیه کرد. گندم برای بخش کشاورزی سوریه به عنوان ستون فقرات تلقی می شود. این بذرها به صدها کشاورز اجازه خواهد داد که نزدیک 32000 تن گندم در سال آینده تولید کنند و به این ترتیب آرد گندم، نان و دیگر مشتقات گندم مورد نیاز سوری ها را برای خانواده‌هایشان تأمین نموده تا در عین حال از بحران اقتصادی اجتناب کنند.»<sup>۲</sup>

با وجود این، خانم ناصیف در گزارش خود اعلام کرد که این هدیه یعنی بذر گندم از سوی آژانس ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین المللی پرونده خطرناکترین جنگ ایالات متحده علیه امنیت غذایی سوریه را به روز می رساند. چرا؟



به زودی به این موضوع پی خواهیم برد. در واقع، 23 نوامبر بنگاه خبری سوری، سانا گزارش داد که آزمایش های آزمایشگاه های وزارت کشاورزی با نمونه برداری از بذرهائی که آژانس ایالات متحده آمریکا برای توسعه بین المللی به کشاورزان شمال شرقی سوریه تحویل داده نشان داده است که به نوعی نماتود<sup>۳</sup> (یا کرم گرد، انگلی که دشمن قسم یاد کرده گیاهان تلقی می شود) مبتلا بوده که به شکل فوق العاده ای برای برداشت های آینده مخرب است.<sup>۴</sup>

<sup>1</sup> مترجم: مترجم فرانسوی ماری آنژ پاتریزیو در این جمله نوشته است چند روز پیش، در حالی که گزارش اول مربوط است به 10 نوامبر، در نتیجه 18 نوامبر باید چند روز بعد باشد. و یا اینکه در تاریخ اشتباهی روی داده و احتمالاً 8 نوامبر بوده است. من در اینجا فرمول « چند روز بعد را انتخاب کردم ».

<sup>2</sup> <https://www.youtube.com/watch?v=FHqVZr3jso>

<sup>3</sup> Nématode

<sup>4</sup> آزمایش های آزمایشگاه ها بی اعتباری بذر گندم اهدائی از سوی اشغالگران آمریکائی در حومه حسکه را تأیید کرده است.

سپس، 26 نوامبر، ژنرال غسان خلیل شهربانی حسکه در تلویزیون سوری ال-اخباریه مشخصاً توضیح داد که خلاف آنچه گفته شده، منشأ این بذرها ترکیه نبوده بلکه آمریکائی است. بیانیۀ او را در پی آمده یادآور می شویم :

« به اطلاع ما رساندند که بذرها از مرز ترکیه وارد منطقه حسکه شده است. ما فوراً نمونه برداری ها را دریافت و آزمایش کردیم. نتایج ابتلا به نوعی انگل از نوع نماتود را در حد 0.3% نشان داد، این نوع بیماری طی یک یا دو برداشت به قاتل زمین تبدیل می شود. به همین علت به سه دلیل ابدان نباید ان بذرها را کاشت: 1- ترکیب دائمی با انگل های دیگر که به پوکیدگی خوشه ها می انجامد. 2- کاهش جوانه تا 80% - 3- بیش از 3% دانه ها شکسته خواهد بود.

در مورد منشأ این بذرها، اعلام شده بود که از ترکیه آمده به این علت که مهر آدانا را داشته. در واقع این بذرها از آمریکا صادر شده و روی کیسه ها نوشته شده: هدیه مردم آمریکا. آیا با بذر ترکی مخلوط شده بوده؟ این یک موضوع دیگری است.

ما می خواهیم مردم آمریکا به ما بذر سمی و مخرب برای برداشت هایمان هدیه ندهند. ما می خواهیم ایالات متحده بذر ما را برای کشت مجدد در زمین های کشاورزی ایالات مختلف خودشان به تاراج نبرند که بعد بذر سمی به ما برگردانند تا ما را بخودشان وابسته کنند که بعداً مجبور باشیم وارد کننده گندم آنها باشیم، همان کاری که پس از توافقات کمپ دیوید با مصر انجام دادند.

به محض اینکه نتایج آزمایش روی نمونه برداری از بذرها را دریافت کردیم، را از طریق شهربانی، رسانه ها و شبکه های اجتماعی برادران کشاورزمان را مطلع کردیم تا از کاشت این بذرها اجتناب کنند. و متقاعد کردن آنها نیز کار مشکلی نبود.

در مورد نمایندۀ سازمان ملل متحد در محل، ما او را از این رویداد مطلع کردیم و به همینگونه در مورد همه بزهکاری های دیگر از جمله دزدی از سیلوهای گندم و نفت، حالا اشغالگران آمریکائی می خواهند زمین های ما را با این بذرها سمی از بین ببرند. بذرها خطرناک به این دلیل که حاوی 0.3% نماتود است، در حالی که یک دانه مسموم می تواند یک مزرعه کامل را تخریب و از یک مزرعه به مزرعه دیگر سرایت کند. در نتیجه ما بایستی میلیون ها دلار طی بیش از 7 سال به رفع این مشکل اختصاص می دادیم. و حتی ممکن بود که نتوانیم به این سادگی از شر این انگل ها خلاص شویم.»

شهربان حسکه درباره موضوعی که مطرح کرد یعنی درباره « ما می خواهیم که ایالات متحده بذر ما را به تاراج نبرد » توضیح دقیقتری می دهد و می گوید، رسانه های جهان درباره انتقال بانک بذر در مرکز بین المللی پژوهش کشاورزی در مناطق خشک (ICARDA) در حلب نوشته اند و گفته اند که بای چنین مرکزی که نمی توانیم قیمتی برای آن متصور شویم مخفیانه به مجمع الجزایر شمالگانی سوابارد در نروژ منتقل شده است، در حالی که مرکز پژوهشی آن به لبنان و مراکش انتقال یافته و علت این بوده است که ساختمان آن دائماً در معرض حملات تروریست های « انقلابی » قرار می گرفته که سرانجام آن را اشغال کرده و در وضعیت ویران شده رها کرده بودند. مرکزی که به حفظ و حراست از کشاورزی در خشک ترین مناطق اختصاص داشته و در آن میلیون ها نمونه از میراث اولیه کشاورزی نگهداری می شده،

چونکه نخستین فعالیت کشاورزی که جهان هرگز به خود ندیده بود در سوریه به وقوع پیوسته و کشاورز سوری با ضرب آهنگ سرزمینی که بازمانده از دوران های بسیار دور است زندگی می کند و نفس می کشد.

ولی موضوع فاجعه بار این نیست که مردمان دیگر از این بذرها استفاده می کنند بلکه فاجعه اینجاست که آنانی که از این ثروت طبیعی بهره برداری کرده اند حالا می خواهند سرزمینی را که آن را به وجود آورده نابارور کنند. و این ایالات متحده آمریکا است که به چنین کار فاجعه باری دست زده است.



Un plant de blé génétiquement modifié à partir d'*Aegopolis tauschii* qui pousse à l'état sauvage sur les collines entourant Tal Hadya et Alep (à gauche) montre une résistance aux dommages causés par la mouche de Hesse, par rapport à un blé non modifié dont la croissance a été freinée par cette même mouche. Haley Ahlers/Kansas State

در هر صورت این موضوع از مقاله Yale School of The environment که زیر عنوان « How Seeds from War-Torn Syria Could Help Save American Wheat » منتشر شده نتیجه گرفته می شود [ چگونه بذرهای سوریه که در آتش جنگ می سوزد می تواند گندم آمریکا را نجات دهد].

بطور خلاصه، نویسنده مقاله که تعبیر ائتلاف به اصطلاح بین المللی را درباره دلایل جنگ سوریه معتبر می داند، به روشنی می گوید که برای مبارزه علیه بیماری های فاجعه بار در زمینه کشت گندم، یعنی بیماری هائی که در اثر گرمایش جهانی به صورت وخیمی شیوع پیدا کرده و در عین حال موجب از بین رفتن هشار دهندة انواع بذرها در همه مناطق ایالات متحده آمریکا شده، پژوهشگران متوجه دانه های بذری شدند که از سوریه خارج کرده اند.

به این ترتیب آشکار شد که علف قدیمی، به نام چمن نیا یا چمن بز *Aegopolis tauschii* که به حالت طبیعی روی تپه های اطراف تل حدیه در حلب می روید در مقابل بسیاری از بیماری های غلات مقاوم است: ویروس، قارچ... و به همینگونه مگس هسه *Mouche de Hesse* که در ایالت کانزاس خسارت زیادی

وارد آورده بودند.<sup>5</sup> علاوه بر این، بذرهای دیگر سوریه در مقابل پژمردگی فوژاریم که نوعی قارچ خطرناک است و موجب تخریب کشت گندم می شود مقاوم است و می تواند به کشاورزان ایلینوا و داکوتا برای نجات برداشت محصولاتشان کمک کند.

نویسنده اضافه می کند که پس یک سری آزمایشات از طریق مهندسی ژنتیک موفق که در آوریل 2018 به مرحله تکوینی رسیده است، و رسماً تصمیم گرفته شد تا بازماندگان حملات مگس هسه در گزینش انواع گندم آمریکائی که برای فروش در نظر گرفته شده حفظ گردد و گندم نیا (چمن بزی) نزد گزینشگران آمریکائی پراکنده کنند. بگونه ای که بذر سوریه « می تواند به زودی در غذاهای مصرف کنندگان آمریکائی جای گیرد...»

الاخباریه تی وی می پرسد، ولی پیامدهای دیگری این حرکت چه خواهد بود؟

خالد عبود پارلمانی حاضر در صحنه به این پرسش پاسخ گفت. او یادآوری کرد که از سالهای 1960 دولت سوریه کنترل تولید گندم را به دست گرفت و برای کشاورزان بودجه در نظر گرفت، در آبیاری، و ساخت انبار ذخیره سرمایه گذاری کرد، و خرید برداشت محصول را نیز تضمین نمود. این اقدامات برای دستیابی به خودکفائی گندم در راستای تضمین موضوع استراتژیک یعنی تضمین امنیت غذایی، استقلال و ثبات اجتماعی و سیاسی کشور انجام گرفته بود. در نتیجه، وقتی ایالات متحده آمریکا در دستیابی به اهداف اصلی اش ناکام ماند این بذرها را فرستاد تا به ستون فقرات استراتژیک برای استقلال سوریه و ثبات در این کشور ضربه بزند، مضافاً بر اینکه دیر یا زود باید از سوریه برود.

او به همچنین به تأثیر خسارتبار بذرهای آلوده اشاره کرد که پس از یک یا دو برداشت برای سالها موجب سوزاندن زمین خواهد شد، روی آوردن برخی کشورهای منطقه به شرکتهای کشاورزی خارجی بزرگ به کاهش تولید انجامیده و کشاورزان را مجبور می کند که هر ساله بذر خریداری کنند. به همین دلیل پل بریمر Paul Bremer دیپلمات آمریکائی رئیس موقت حکومت ائتلاف بین المللی در عراق، از مه 2003 تا ژوئن 2007 در پایان دوره ریاستش دستور صادر کرد که کشاورزان نباید بذرهای خودشان را بکارند زیرا ایالات متحده آمریکا بذرهای با کیفیت برتر را در اختیار آنها قرار خواهد داد.

سرانجام خشکسالی نیز تأثیر انکار ناپذیری دارد. پس از غارت برداشت گندم با کامیون هائی که به سوی عراق یا ترکیه گسیل می شدند و تحریک آتش سوزی در مزارع گندم، این هدیه ایالات متحده آمریکا که گویا می خواهد در مناطق زیر کنترل جدائی طلبان امنیت غذایی به ارمغان بیاورد، هدفش ایجاد مسمومیت بیشتر برای زمین های کشاورزی سوریه بود چرا که حتا بدون چنین هدیه ای پیش از این در اثر کاربرد بمب های آمریکائی با خرج اورانیوم ضعیف شده در به اصطلاح جنگ علیه داعش و به همچنین در جنگ آب که از سوی ترکیه برپا شد... به اندازه کافی آلوده و مسموم شده بود.

همانگونه که مدیر کشاورزی مهندس سعید جیجی اعلام کرده است، امیدوار باشیم که این 74 کشاورزی که در منطقه شمال شرقی 2،5 تن از این بذرهای سمی دریافت کرده اند، بتوانند به هر صورت از کاشت آن اجتناب کنند، به ویژه اینکه دولت سوریه بذرهای اصیل و ضروری را در اختیار آنها قرار داده است. در

<sup>5</sup> مترجم: من از اسامی دقیق علمی در این متن صرفنظر کردم. در واقع در جستجوهایم به نتیجه نرسیدم.

غیر این صورت هدیه سَمی آژانس ایالات متحده برای توسعه بین المللی می تواند بار سنگینی بر دوش نسل های آینده سوری بگذارد که مخربترین و طولانی ترین عمل تخریبی در طی جنگ خشونتبار علیه سوریه خواهد بود.

\*\*\*

آدرس الکترونیک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/le-cadeau-empoisonne-des-etats-unis-aux-futures-generations-syriennes/5662730>

ترجمه حمید محوی

پاریس، 23.12.2021

یادداشت مترجم :

این حرکت ایالات متحده آمریکا برای هدیه مسموم به سوری ها نام دیگرش « بیوتروریسم » است. به باور من \_ که یک باور شخصی است - این بیوتروریسم را باید در چارچوب یک سیاست کلی در متن نئولیبرالیسم آنگلوساکسون در چارچوب جریان جهانی کردن جهان مورد بررسی و دقت نظر قرار دهیم که بقول احمد سیف در کتاب « نئولیبرالیسم ایرانی » برای نجات اقتصاد آمریکا راه اندازی شد. به این ترتیب توطئه بیوتروریستی برای تخریب زمین های کشاورزی سوریه و دست یابی به اهدافی که آمریکا به عنوان ملت استثنائی پی گیری می کند، بی گمان با استقلال دولت ملتها و منافع ملتها بجز ملت آمریکا ( در واقع الیگارش سرمایه داری غربی که این را نباید با منافع ملی کشورهای غربی یکی بپنداریم ) سازگار نیست. ما می توانیم برای درک عمیقتر داستان گندم کرم زده، این بیوتروریسم را به ابعاد کلانتر گسترش دهیم، و برای مثال ببینیم که کودتائی که به تباری سرویس های جاسوسی انگلیس و آمریکا در 28 مرداد 1332 ( چهارشنبه 19 اوت 1953 میلادی ) و همکاری شعبان بی مخ و پری بلنده از طرفداران محمد رضا پهلوی که ماهیت اجتماعی و تاریخی این جریان را به روشنی تعریف می کند... و می بینیم که چنین کودتائی و یا کودتای بهار آزادی در بهمن 1357 که امروز بسیاری از نویسندگان و تحلیلگران به منشأ آمریکائی و غربی آن اشاره دارند، و امروز بیش از هر روز دیگری در گذشته به ویژه به دلیل قطعیت نئولیبرالیسم در ایران و فساد فوق العاده حاکم بر جامعه ایرانی که از جمله نتیجه ماهیت اصلی دین اسلام است - « تازی و غارتگر » - (مرجع شود به کتاب « نگاهی دیگر به فرایند اسلامی شدن ایران » نوشته ب. بی نیاز) به ما اجازه می دهد که از این پس با شهامت بیشتری جمهوری اسلامی ایران را دست نشاندۀ آمریکا بدانیم (البته من در اینجا محض احتیاط این موضوع را به عنوان فرضیه و شایعه مطرح می کنم که زمینه برای بحث و بررسی باقی بماند. ولی موضوع بعیدی بنظر نمی رسد زیرا هر دو یعنی امپریالیسم آمریکا و دین اسلام منشأ غارتگر و قاتل داشته اند و هر دو از منافع آمریکا یا منافع اسلام حرف می زنند و نه ملت ها، هر دو به ابزار تروریستی اتکا دارند یکی به قدرتمندترین ارتش جهان و دیگری به حکم ارتداد به عنوان یگانه ابزار تروریستی با بنگاه های کوماندوئی که اجرای آن به تکنولوژی خاصی بجز تیغ شمشیر و یا چوب دار نیاز ندارد و از سوی دیگر به صورت قانون اساسی درآمده و در واقع یگانه دلیل و برهان حقانیت دین اسلام است. به سخن دیگر همین حکم ارتداد به ما اجازه می دهد که نتیجه بگیریم که در سرزمین هائی که چنین قانونی رایج است حتی یک فرد مسلمان واقعی که به اختیار و خارج از ترس از مرگ یا ترس از حکم ارتداد به اسلام گرویده باشد وجود ندارد. حتا آلهائی که خودشان را مسلمان و مؤمن می دانند، در واقع با وجود حکم ارتداد در مسلمانی شان تردید قویاً رخنه می کند، یعنی اینکه تا وقتی که حکم

ارتداد وجود دارد، هیچ مسلمانی در هیچ کجای دنیا مسلمان واقعی نیست و اصطلاحاتی مانند امت اسلامی و یا جامعه اسلامی یک دروغ بیشتر نخواهد بود. و آنهایی که به اصلاح دین امید بسته اند بهتر است تا پیش از هر تحولی خواستار حذف حکم ارتداد بشوند... در نتیجه همکاری و هم سوئی دستگاه دین اسلام و نئولیبرالیسم آنگلوساکسون یا ایالات متحده آمریکا خیلی عادی بنظر می رسد! در هر صورت بی آنکه وارد این بحث پر مشکل و سنگین بشویم، می خواستم نشان دهم که در ادامه بیوتروریسم، یا پیش از آن و یا بعد از آن آمریکا و بطور کلی الیگارش غربی برای تضمین و تداوم سلطه خود از هیچ کار مخربی فروگذار نیستند، و بیوتروریسم می تواند به شکل کودتا در مالی یا آفریقای مرکزی یا انقلاب اسلامی در ایران به تخریب کل یک کشور و یا به خشکاندن ریشه هر آن چیزی بیانجامد که می تواند موجب پیشرفت و استقلال و سعادت ملت‌های غیر غربی و خصوصاً غیر آمریکائی بشود. با آگاهی از این امر که این رژیم بیوتروریست بیشتر از خصوصیت طبقاتی جهان شمول برخوردار بوده و می بینیم که بیش از پیش تفاوت بین ملت های شمالی و جنوبی اندک اندک در حال برچیده شدن است. سرنوشت جهان و روزمره ملت ها بیش از پیش به الیگارش و شرکت های بزرگ چند ملیتی بستگی می یابد. نئولیبرالیسم گر چه همواره دولتها در کنار دستگاه دین با کاروان پیغمبران خواب نما شده نماینده طبقه حاکم بوده اند، ولی با وجود این نظم نوین جهانی حتا در همین حد هم تحمل چیزی به نام دولت را ندارد. و چه بسا که یکی از دلایل ضرورت سرنوشتی رژیم پهلوی برای آمریکائی نئولیبرال در چشم انداز جهانی کردن جهان نیز در خودکامگی محمد رضا پهلوی بود که با وجود همه بستگی هایش به امپریالیسم غربی مناسب بنظر نمی رسید (احمد سیف در نئولیبرالیسم ایرانی خیلی روی این موضوع « خودکامگی » و عدم تناسب آن با نئولیبرالیسم تاکید کرده است» به این علت که حتا غارت هم از دیدگاه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول که در واقع از جمله مؤسسات آمریکائی است حساب و کتاب خاص خودش را دارد، همین موضوع همچنان برای رژیم اسلامی نیز صدق می کند و احتمالاً شاید عدم تفاهم بین رژیم غارت و تروریسم مقدس اسلامی به ضرب حکم ارتداد را با رژیم نئولیبرال آمریکائی همین موضوع خودکامگی توضیح دهد.

آخرین موضوعی که می خواستم در اینجا یادآور شوم، موضوع حضور « قدرتمند ایران » و سپس روسیه در سوریه است، با توجه به چنین رویدادی می بینیم که آمریکائی ها خیلی بیشتر از این دو کشور در سوریه حضور مؤثر داشته اند و هر کاری می خواسته اند انجام داده اند، البته بشار اسد هنوز سر جایش باقی مانده که تا ابد در همانجا بماند ولی بنظر می رسد که مانعی برای کارهای آمریکا به حساب نمی آید. آمریکا همچنان طرح تجزیه سوریه را به پیش می برد، منابع نفتی را در اختیار دارد، در این مقاله می بینیم که ذخیره بذرهای طبیعی و مؤسسه تحقیقاتی برای کشاورزی در مناطق خشک را به نروژ منتقل کرده و مراکز تحقیقاتی را هم به لبنان و مراکش مستقر کرده است. در هر صورت وقتی که به چشم انداز واقعی سوریه یعنی کشوری تخریب شده و حتا تجزیه شده نگاه می کنم، حضور « قدرتمند ایران یا روسیه » در سوریه برایم قابل درک نیست. حالا یک عده و شاید خود من و شما دلمان به این خوش باشد که امپریالیسم آمریکا در حال فروپاشی است... خود آمریکائی ها هم شاید بدشان نیاید که یک عده به فروپاشی آمریکا فکر کنند، به این علت که با چنین ترفندی بهتر می توانند سیاستهایشان را در « فروپاشی » به پیش ببرند.

حمید محوی